



سخنی چند درباره ورود اولین مولد برق به ایران

نخست برای آگاهی و روشن شدن ذهن خوانندگان گرامی باید متذکر شد که از زمان ورود اولین مولد برق به ایران توسط حاج محمدباقر میلانی تاکنون درباره ورود این صنعت مهم به ایران، مطلب کاملی به رشته تحریر درنیامده و مقالات و مطالب نوشته شده اغلب ناقص بوده و یا جنبه حقیقی نداشته‌اند.

پیش از ورود صنعت نفت به ایران، برای ایجاد روشنایی از پیه‌سوز، شمع و غیره استفاده می‌شد و بعدها از نفت که از روسیه وارد می‌شد، بهره می‌گرفتند. در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار به سال ۱۲۷۸ ش. مولدی به قدرت ۱۲ اسب بخار و ۸ کیلو وات، توسط مرحوم «حاج محمدباقر میلانی» و فرزندش «حاج میرزا محمود میلانی» معروف به «رضا یوف» که از تجار بزرگ و بنام آن زمان بودند، به مبلغ هشت هزار تومان پول نقره از روسیه خریداری شد و مرحوم حاج میرزا محمود میلانی ثانی که در آن زمان در روسیه اقامت داشت، حمل و نصب مولد را در مشهد، برای روشن نمودن حرم مطهر حضرت رضا(ع) به عهده گرفت.

نکته مهم آنکه، چون نصب آن باید توسط فردی مسلمان انجام می‌شد و غیر مسلمان حق ورود به اماکن مقدسه را نداشت، پس از جستجوی بسیار در میان ایرانیان مقیم بادکوبه، جوانی مسلمان به نام «تاری وردیف» متولد سلماس که بعدها به «حیدر عمواغلی» معروف شد، به حاج میرزا محمود معرفی و استخدام گردید. نامبرده از یازده سالگی به تفلیس رفته و مهندسی

برق خواننده بود. حاج میرزا محمود او را با دو کارگر فنی مهاجر به نام‌های «نورمحمد عبدالرحمان‌اف» و «میر کاظم میر قاسم‌اف» پس از خرید مولد و کلیه وسایل مربوطه از قبیل سیم و مقره و غیره، با خود به مشهد برد.^(۱) این مولد در نزدیک‌ترین فاصله به حرم حضرت رضا (ع) در اول «بالا خیابان» در سر یک کوچه که بعدها «کوچه چراغ برق» نامیده شد، نصب و به مدت یازده ماه در سال ۱۲۷۹ ش. مورد بهره‌برداری قرار گرفت و به حرم، مساجد و صحن‌ها با چهارصد لامپ روشنایی می‌داد. قدرت مولد اجازه می‌داد به کوچه‌های اطراف «فلکه حضرت» نیز برق داده شود. آن مولد از طرف حاج محمد باقر و حاج میرزا محمود به بارگاه حضرت رضا اهداء گردید و چون سرپرستی نصب آن به عهده حاج میرزا محمود بود، از طرف آستان قدس به ایشان سمت خدام رسمی حضرت دادند. علاوه بر آن، به خاطر این خدمت، محل دفنی نیز در پایین پای حضرت، داخل حرم مطهر به نامبرده داده شد.[‡] ناگفته نماند که نصب مولد برق در حرم حضرت به سادگی انجام نشد، زیرا مخالفین بسیاری داشت؛ از جمله شخصی به نام «شیخ ابراهیم»، عده‌ای از افراد ساده‌لوح را تحریک و به نام اینکه روشن کردن برق کار بهائی‌ها و کافران است و دستکاری در کارخانه خداست، با چوب و چماق حمله کرده قسمتی از سیم‌کشی‌ها را تخریب نموده و تعدادی از لامپ‌ها را شکستند که حاج میرزا محمود با کمک دربان‌ها و خدمه آستانه، آنان را دستگیر و به بالاخانه فراشخانه تحویل داد.

مدتی بعد از روشن شدن برق در حرم حضرت، به دستور مظفّرالدین شاه، مولد کوچکی به مبلغ سه هزار تومان از بروکسل خریداری و به مشهد فرستادند و کار نصب آن را به عهده میلانی‌ها گذاشتند. پس از شش سال، مرحوم «نادرخان حکیم الملک» مولدی را از بروکسل برای استفاده شخصی و کسب درآمد به ایران آورد. وی در مأموریت رشت فوت نمود و مرحوم «حاج امین الضرب» مولد را از ورثه حکیم الملک خریداری کرد و با دریافت امتیاز به نام خود، در محل سابق چراغ‌گاز، برای کسب درآمد شخصی، مورد بهره‌برداری قرار داد.^(۲)

با وجود آنکه برخی، «ناصرالدین شاه قاجار» را واردکننده برق به ایران می‌دانند و در برخی کتاب‌ها نیز به روشن شدن چند لامپ در عمارت سلطنتی و در برابر «سردر الماسیه» و

‡ البته جنازه مرحوم حاج میرزا محمود، با اشتباه فرزندان در قبرستان عمومی دفن شد.

معرفی سند ● سخنی چند درباره ورود اولین مولد برق به ایران / ۱۰۷

«میدان توپخانه» در سال ۱۲۹۶ق. اشاره شده است،^(۳) اما با توجه به کوتاه بودن عمر این روشنایی و محدود بودن تعداد لامپ‌های روشن شده، می‌توان نتیجه گرفت که آن لامپ‌ها به وسیله باطری روشن می‌شدند و مولدی در کار نبوده است. با توجه به مطالب یاد شده و با عنایت به اسناد و مدارک محکم و معتبر موجود در مراکز اسنادی، به ویژه اسناد مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، می‌توان ثابت کرد که مرحوم حاج محمدباقر میلانی، اولین واردکننده مولد برق به ایران بوده است.

در پایان، رونوشت و عکس برخی اسناد مربوط به کار خرید، نصب و راه‌اندازی، تعمیر و نگهداری مولد برق توسط میلانی‌ها، آورده می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مرحوم حاج محمدباقر میلانی

معرفی سند ● سخنی چند درباره ورود اولین مولد برق به ایران / ۱۰۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مرحوم حاج میرزا محمود میلانی (رضایف)

سند شماره ۱:

سواد کاغذ وزارت خارجه به جناب منتخب الملک، خراسان
۸ ربیع الاول ۱۳۱۹

اسباب چراغ الکتریسته با تمامی ملزومات آن که حسب الامر الاقدس الاعلی ارواحنا فداء از بروکسل ابتیاع و به جهت روضه مطهر حضرت رضوی علی ساکنها الاف السلام و التحیه فرستاده شده، صورت آن جزو که نوشته شده، اینک لفاً فرستاد که به اطلاع تولیت، به مباشر عمل روشنایی روضه مقدسه تسلیم نمایند که به موجب آن، اسباب چراغ را بازدید [نموده] و تحویل بگیرند و قبض رسید از او گرفته ارسال دارید.

نصرالله مشیرالدوله



[۶-۱۳-۱۹-۱۳۱۹ ق]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دانشگاه وزارت خارجه بجناب محبت عن فرمای
۸ ربیع الثانی ۱۳۱۹

بسم الله الرحمن الرحیم

آب چهلخانی اکتبر است. به نامی فرمات آن که حسب لاسر الاقرس الامیر اروا خدا فذله از بروکس بنیاد و چهار روزه
سطوح حضرت رضوی ساکنه الف الکلمه و التبعه فرستاده شمر صورت آن جزو که نموده شد است که فرستاد
و باطلع تولد بی شمر و شانه روزه شمره تسلیم نماید که بموجب آن آبها جمع را با زودیه و کتیر کتیر کند

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی
The Center for Documents
& Diplomatic History

و مقبر رسید از او گرفته در مسدود (نظر نامه شمر اول کم)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۲:

[نشان شیر و خورشید]

از تبریز به طهران
اداره تلگرافی دولت علیه ایران

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف افخم اتابک اعظم اروحنا فداه. جهت چراغ الکتریسیته مشهد مقدس، استاد در بادکوبه حاضر است و [برای بستن فونطرات] کنترات [و قرارداد اجرت لازم است. عدد چراغ و سوختن ماشین یا نطف [نفث] یا بتزین تعیین شود. مقرر فرمایند تلگرافاً به بادکوبه خبر بدهند. چاکر رضا یوف

[پایین سند:] جواب نوشته شد که به طریق شرایط معلومه، کنترات را ببندند و اجرت انعقاد را حواله نمایند. عده چراغها معلوم نیست، در مشهد معین خواهد شد. سوخت باید با ذغال و یا با هیزم باشد.

اتابک اعظم

فی ۲ صفر ۱۳۱۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



را تیز به طراز الیاه نکل افی وک علیہ ایران

| املاجات | تاریخ اصل مطلب | | | عدد کلمات | شماره |
|---------|----------------|------|-------|-----------|-------|
| | روز | ساعت | دقیقه | | |
| | | | | ۴۸ | ۳۲۸ |

حضرت مبارک نه گمان حضرت طالب شرف انجمن آباء عظیم اروا خافله جبهه چراغ الکبریة شهبه شهبه
 استاد و مبارک به خاطر برابر بتمن و نظرات و قرارداد اجرت لازم است عدد و چراغ در ضمن باشن بنفط
 یا بنزین یعنی از مشرف زمانه کوآن به مبارک به خبر به بند چاکر و مفاد است



تال جامع علوم انسانی
 دوازدهم شهریور ماه ۱۳۱۹
 سعید نیک ده لیس
 وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 تهران

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماتی
 The Center for Documents
 & Diplomatic History

| | | |
|-------------------|----------------|-------------|
| بواسطه تلگرافخانه | گرفته شد | کیونده مطلب |
| تاریخ ۲۸ | شهر محرم الحکم | ساعت |
| | دقیقه اورگیل | سنه ۱۳۱۹ |

سند شماره ۳:

از تفلیس به طهران
اداره تلگرافی دولت علیه ایران

طهران؛ بندگان حضرت مستطاب اشرف آقای اتابک اعظم روحی فداه. تمام چراغ‌ها به
مشهد رسیده. هنوز اوستاد [استاد] مسلمان نیست. رضایوف

[دستخط مظفرالدین شاه] جناب اشرف اتابک اعظم. حالاکه استاد مسلمان پیدا نمی‌شود،
استاد غیرمسلمان اجیر کرده بفرستند. نهایت، دستورالعمل دادن با او باشد و کارگرها در مشهد از
مسلمان‌ها باشند.

[۲۸-۲۰-۱۳۱۹ ق]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



انبار کتابخانه ملی و اسناد ایران

تلفس به طهران
از -

| اطلاعات | تاریخ اصل مطالب | | | عده کلمات | شماره |
|---------|-----------------|------|-------|-----------|-------|
| | روز | ساعت | دقیقه | | |
| | | | | ۲۲ | ۱۷۷ |

طهران نیکان حضرت شرف آتاب عظیم در حرمه تمام چراغها بشده رسیده بنزد اوستا و سلمان



کتابخانه ملی و اسناد ایران
مرکز اسناد و تاریخ دیپلماتی
کتابخانه ملی و اسناد ایران
مرکز اسناد و تاریخ دیپلماتی

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماتی
The Center for Document
& Diplomatic History

در شهر تهران
در روز ۱۲ شهریور
در ساعت ۱۲ ظهر
در دقیقه ۱۲

| | | |
|---------------------|--------------|--------------|
| بواسطه تلگرافخانه | گرفته شد | گیرنده مطالب |
| شهر محرم الحکم ساعت | دقیقه اردیبه | سنه ۱۳۱۹ |

سند شماره ۴:

سواد کاغذ وزارت خارجه به معاونالتجار

۱۶ شهر ذیقعده ۱۳۲۰

کاغذ شما مورخ ۱۷ شهر شوال المکرم دایر به ورود خودتان به مشهد مقدس رسید و از اینکه مراقبت در تنظیم و دایر بودن ماشین نفتی الکتریک نموده‌اید، استحضار و مسرت حاصل گردید و شرح مراقبت و خدمات شما را هم به عرض خاکپای انور اقدس روحنا فداه رسانیدم و به صدور دستخط مطاع مبارک، از آن معتمدالسلطان تمجید شده است که برای افتخار شما ابلاغ شد و در این موقع که نوشته‌اید دو سه ماهه در آستان مبارک مقدس به زیارت مشغول هستید، از شما التماس دعا دارم و البته اگر کاری پیش آمد در آنجا به شما رجوع خواهد شد.

نصرالله

(مشیرالدوله)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[۲۱-۱۹-۱۹-۱۳۲۰ ق]

۱۹۳۱

مملوک غنچه‌دلشاه به سبب سلطان ابرار

۱۳۲۰

که فخر عمره در ۱۲ شهریور سال محرم دایره بود حکامی بجهت معسکی رسید و از آنکه سراجیت در سطح دایره بود
و این فقر الکتریکی هم که در اختیار دولت و معسک شد و شرح سراجیات و خدمات سراجان
فایده بسیار و نورانی و روشن فکری رسانیدم و بعد در سطح مبارک از آنستکه سلطان محمد شاه
در باره اخبار سراجان اطلاع فرمود و در این تاریخ هر دو هفته یکبار در آستان مبارک معسکی بزاره
رسید از آنکه سراجان دعوا دارم و البته اگر در سراجان با رجوع خواهد شد لغز

(مسترد اولم)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماتی
The Center for Documents
& Diplomatic History

سند شماره ۵:

این ماشین خود آستانه مقدس است که چاکر خریده‌ام و با نفظ [نفت] می‌سوزد. ساعتی یک خط نفظ [نفت] می‌برد.

این تازه اختراع است که وصل به ماشین می‌شود، با روغن می‌سوزد و خیلی کم روغن می‌برد. خیلی باصرفه است.

[۱۳-۲۰-۱۲-۱۳۲۱ ق]



سند شماره ۶:

خلاصه کاغذ حاج محمد باقر معاونالتجار از مشهد

در کار چراغ آستانه، مقصود فدوی این بود که هم اجرای امر مقدس همایونی را بکنم و هم خدمتی به آستانه مقدسه کردم [بکنم]. حالا می بینم به قدری اسباب چینی می شود که در چاره اش عاجز شده ام. لابد شدم چراغ را مقاطعه کردم که به ماهی چهارصد و پنجاه تومان اداره کنم و هر چه اسباب هم لازم می شود، علاوه آورده قیمت بگیرم. با اینکه ماهی یکصد و پنجاه تومان ضرر فاحش دارم، باز برای به هم زدن این کار انگشت می نمایند؛ مثل اینکه شیخ ابراهیم مشهور را تحریک کردند، هنگامه برپا کرد و به اسم اینکه این رشته کفر است، خیلی از چراغها را شکست. برای چراغ شهر که دیدم رعیت خارجه را تحریک کردند و ماشین کوچک آورده دایر کرد. با اینکه می دانند فدوی ضرر می کنم، بعضی با اهل آستانه و غیره همدست شده گفتند روشنایی آستانه را ماهی یکصد تومان کمتر قبول داریم؛ دیدم بیشتر فساد خواهند کرد، به شراکت متولی باشی استدعای امتیاز چراغ شهر را کردیم و مرحمت شد. مدتی است ماشین را آورده ام. متولی باشی که فهمیده است منفعتی در کار نیست، طفره می زند و اقدام نمی کند. مانده ام سرگردان؛ اگر بخواهم انکار بکنم، مبالغی خرج کرده ام؛ چیزی نیست که به مصرف دیگر بزنم. از این تحریکات می ترسم صدمه جانی هم به من بخورد. استدعا دارم حکم بشود متولی باشی ماشینخانه را تحویل بگیرد و آنچه هم که برای چراغ مشهد خریده آورده ام، خودش قبول کند: جان خودم را برداشته، بروم که با این طور اشخاص نمی توانم کنار بیایم.

دست از میان نهادیم در دست خدایت
 که نیت نغز و کزایت طن نیزه و اقامت
 کوه کوه اکتانیم بفرغ کوه
 ازیم تحولات مرقع صده جلد
 سینه نیزش فخر را تو هر کرد
 فریضه کدو نام خودی قبول کن
 که با نظر انهن شعرا کرام

سند کاند...
 در این روز...
 با نیت...
 شام...
 در هر...
 ضرر...
 ایام...
 بیخ...
 که در...
 بعضی...
 بلکه...

مرکز اسناد و کتابخانه ملی
 The National Library and Archives of Iran
 A Digital Library

جامع علوم انسانی

سند شماره ۷:

مشهد سواد تلگراف وزارت خارجه به سهام‌الملک متولی باشی
۴ شهر صیام ۱۳۲۱

به طوری که به عرض خاکپای انور اقدس همایونی شاهنشاهی ارواحنا فداه رسیده است، سرکار والا در تنظیم عمل چراغ الکتریک آستانه، نسبت به معتمدالسلطان حاج محمدباقر معاون‌التجار مساعدتی ندارید و این عدم همراهی والا و اظهار کراهت به حاج مومی‌الیه، باعث حسادت اولیای آستانه و بعضی دیگر نسبت به او شده، مترصد است که دست از این عمل و تنظیم چراغ‌ها بردارد. این معنی، مقایرات مقدسه شاهانه واقع شده، به صدور دستخط این طور مقرر شده است که عیناً درج می‌شود: [] به متولی باشی بنویسید که در کارهای متعلق به چراغ با او همراهی نکنند. اگر هر آینه همراهی نشد، مورد مؤاخذه می‌شود. این پنبه را از گوش خود بیرون نکنند که عمل چراغ را به دست آنها نخواهیم داد. اینها نباشند کسی دیگر را به جهت این عمل می‌آوریم. در هر صورت، کار حاج محمدباقر را باید خیلی محکم بکنید. انتها از مدلول امر قدر قدر، خاطر سرکار والا مستحضر خواهد شد که توجه ذات مقدس ملوکانه ارواحنا فداه نسبت به ترتیب چراغ‌ها و مساعدت با معاون‌التجار به چه درجه معطوف است. از همراهی و مساعدت در تنظیم پیشرفت امور چراغ الکتریک بدیهی است هیچ وقت غفلت نمی‌فرمایید که باعث انزجار خاطر خطیر ملوکانه شود.

[۴۳-۲۰-۱۲-۱۳۲۱ ق]

۱۳۱۰۶

شده یاد گرفت در شصت و نه سالگی

۱۳۱۰

۲ مهر ص ۱۳۲۱

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماتیک
The Center for Documents
& Diplomatic History

بطوریکه بر من نشان داد که من هم می توانم این کار را یاد بگیرم و این است سرکار که تسلیم من این امر است تا به نسبت
 حاج محمد قزوینی که به من نشان داد که من هم می توانم این کار را یاد بگیرم و این است سرکار که تسلیم من این امر است تا به نسبت
 آنگاه در منی که نسبت به این امر حسود است خودت از این معلوم می شود که من هم می توانم این کار را یاد بگیرم و این است سرکار که تسلیم من این امر است تا به نسبت
 و این که نسبت به این امر حسود است خودت از این معلوم می شود که من هم می توانم این کار را یاد بگیرم و این است سرکار که تسلیم من این امر است تا به نسبت
 نکته ای که در این امر حسود است خودت از این معلوم می شود که من هم می توانم این کار را یاد بگیرم و این است سرکار که تسلیم من این امر است تا به نسبت
 سخنی که اینها نشان می دهد که اینها هم می توانند این کار را یاد بگیرند و این است سرکار که تسلیم من این امر است تا به نسبت
 در مورد آن که در این امر حسود است خودت از این معلوم می شود که من هم می توانم این کار را یاد بگیرم و این است سرکار که تسلیم من این امر است تا به نسبت
 با ساری که به من نشان داد که من هم می توانم این کار را یاد بگیرم و این است سرکار که تسلیم من این امر است تا به نسبت
 به وقت صفت می توانیم به دست آید و اینها هم می توانند این کار را یاد بگیرند و این است سرکار که تسلیم من این امر است تا به نسبت

سند شماره ۸:

خلاصه کاغذ معاونالتجار از مشهد

برای چراغ برقی، ماشین یدکی لازم است که اگر ماشین وقتی عیب بکند، تعطیل نشود. یک خیالی که چاکر کرده‌ام که خدمت به دولت و ملت و آستانه است؛ این است که امتیاز راه تراموای الکترونیک از بالا خیابان از دروازه الی بست آستانه و از پایین خیابان از بست الی دروازه، به فدوی مرحمت بشود که یک ماشین بزرگ بیاورم و در کارخانه بگذارم که هم برای چراغ‌ها یدکی باشد و هم در بعضی مواقع چراغ‌ها را بتوان زیاد کرد و هم زوار بیچاره در موقع گیل و زمستان و یا آفتاب تابستان، راحت آمدوشد نمایند. اگر این امتیاز مرحمت می‌شود، این خدمت را خواهم کرد.

در دارالسیاده، دری که اذن دخول خوانده [می‌خوانند] وارد دارالحفاظه می‌شود، می‌خواهم بالای بناهای کوچک به نقشه ملفوف با چراغ برقی نصب بکنم که وقتی چراغ روشن می‌شود، این کلمات در چراغ خوانده [شود]. چنانچه اجازه مرحمت شود، این طور به انجام برسد، و الا به هر شکلی و وضعی که مقرر می‌شود، تهیه نمایم.

[حاشیه سند، دستخط مظفرالدین شاه] جناب اشرف اتابک اعظم. فقط اولی عجالته لازم نیست، اما مسئله ثانی عیب ندارد. اجازه خواهیم داد که به همان قسم روشن نماید.

ربیع الثانی ۱۳۲۱

سند شماره ۹:

خلاصه کاغذ حاج محمد باقر معاونالتجار از مشهد

چهار روز قبل بر این، ماشین کوچک که دینامو می‌گویند از ماشین بزرگ قوه را گرفته برق می‌دهد، سوخته خراب شد و در این نقاط هم اصلاح آن ممکن نیست، ولی امروز آدم مخصوص برای اصلاح آن در عشق‌آباد می‌فرستم، اما علت سوختن آن را به طور وضوح معلوم نتوانستم بنمایم که عمدی بود یا سهواً یا برحسب اتفاق. در هر حال برای رفع اشتباه، مجلس کرده از اجزای آستانه مقدسه برحسب تحصیل اجازه از سهام‌الملک. پس از تشکیل مجلس گفتم که چون عمل چراغ آستانه، کلیه [به کلی] مغشوش و خارج از نظم است، خوب است که عمل روشنایی را سالیانه به چاکر مقاطعه بدهند که هم در خرج آستانه تخفیفی داده شود و هم عمل چراغ منظم باشد. این مذاکرات خیلی مستحسن و مطبوع اتفاق افتاد و فرمودند به چه ترتیب مقاطعه خواهیم کرد؟ معروض شد: در صورتی که در آخر سال زیاده از آنچه مقاطعه کرده‌ام بیاید، باز به مصرف روشنایی خود آستانه برسانم و چنانچه باقی هم بیاید، از جیب خود بدهم و کلیه مبلغ پنج هزار و پانصد تومان قبول مقاطعه کردم که پانصد تومان علاوه آن از بابت تعطیل اتفاق کارخانه که باید در عوض شمع بسوزد [باشد]، و عرض کردم بنابر ترتیب حالیه، به موجب صورت، هشت هزار و سیصد و چهل و چهار تومان می‌شود و چاکر به همان هشت هزار تومان سالیانه قبول می‌کنم. خواستند یک هزار تومان دیگر هم تخفیف بخواهند، بنده عرض کردم: مگر نه آنکه در ایام قبل از چراغ برق، کلیه مصارف چراغ آستانه، هفت هزار و هفتصد و پنجاه تومان می‌شود [می‌شد؟] اینک هم که چراغ برق برحسب امر قدرقدر ملوکانه ارواحنا فداه برای آستانه مبارکه معین شده، مسلم است که با وجود بودن چراغ برق، ابداً احتیاج به شمع نخواهد بود؛ چنانچه نیست و مخارج روشنایی از زمان چراغ برق تاکنون به جیب اجزای آستانه است. در هر حال معلوم کردم و رفع اشتباه شد، بلکه ثابت گردید. در صورتی که یکی از املاک موقوفه یا خالصه در عوض مصارف این چراغ به چاکر واگذار شود، بهتر این کار منظم و اسباب آسودگی خواهد بود. درخصوص طلب فدوی از دیوان و آستانه هنوز مرحمتی نشده است.

معرفی سند ● سخنی چند درباره ورود اولین مولد برق به ایران / ۱۲۷

[حاشیه سند، دستخط مظفرالدین شاه قاجار]

جناب اشرف اتابک اعظم. خود وزیر یک مجلس قرار این عمل را داده و این خدمت را به عهده معاونالتجار واگذار نماید که در هر جهت خدمت نماید.

ربیع الثانی ۱۳۲۱

[۵۵-۲۰-۱۲-۱۳۲۱ ق]



سند شماره ۱۰:

خلاصه یک کاغذ معاونالتجار

حکم تلگرافی درخصوص محل مصارف چراغ‌ها خطاب به سهام‌الملک به توسط چاکر رسید. در عریضات سابق عرض نموده‌ام که سهام‌الملک احکام را بهانه نموده، آقایان آستانه را جمع و اجلاس می‌نماید. حاصل انعقاد این مجالس، تولید عداوت آقایان نسبت به چاکر می‌شود و حق هم دارند، زیرا که از این عمل سالی مبالغی می‌برده‌اند. در سفر اول فرنگ، در وقت شرفیابی خاکپای مبارک که این مأموریت به چاکر رجوع شد، معایبش را عرض کردم که اول چاکر را توهین و بعد تکفیر می‌کنند و بالاخره کتک خواهند زد. حالا هر مجالسی که سهام‌الملک تشکیل می‌دهند، نتیجه آن از همین قبیل قریب‌الحصول است. دیگر صدور حکم تلگرافی را لازم نمی‌دانند. هرگاه دماغ چاکر نوازنده بودند، خیالات صرفه‌جویی برای تسهیل ماشین، زیاد داشتیم، نگذاشتند. آتشیخانه تازه اختراع شده که به ماشین خرید همایونی و ماشین چاکر هم می‌خورد و صرفه هم دارد. ماشین خرید همایونی ساعتی پنج تومان از برای سوخت صد چراغ می‌خواهد و ماشین خریداری چاکر، از برای چهارصد چراغ یک تومان خرج دارد و این ماشین جدید از برای روشنایی چهارصد چراغ، دو قران خرج خواهد داشت. (پروگرام) ماشین مذکور لفاً تقدیم شد. قیمت یک دستگاه آن تا ورود، چهارصد منات است. آقایان آستانه از خدمتگزاری ممانعت کردند. چاکر آدمی بودم که یک نفر دشمن نداشتم. حالا دشمن زیاد پیدا کرده‌ام. استدعای آخری این است که چاکر را از این کار معاف فرمایند. عمل کارخانه چراغ‌ها را طوری مرتب کرده‌ام که یک بچه می‌تواند از عهده برآید.

[حاشیه سند، دستخط مظفرالدین شاه]

هو... وزیر! هر دو کاغذهای حاج محمدباقر را دیدم. حقیقت خوب تاجری [است] که ما کمال مرحمت را به او داریم و اطمینان هم به او داریم. البته به عین‌الدوله بگویند سخت به متولی‌باشی بنویسد که در کارهای متعلق به چراغ با او همراهی نکند و هر آینه همراهی نشد،

مورد مؤاخذه می‌شود و این پنبه را از گوش خودشان بیرون بکنند که عمل چراغ را ما به دست آنها نخواهیم داد. اینها نباشند کس دیگر را برای این عمل می‌آوریم. در هر صورت، کار حاج محمدباقر را خیلی محکم بکنید. پول او را هم از چه بابت است، عرض بکنند به عین الدوله گفته می‌شود که بدهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۱۱:

کارگزاری اول خارجه خراسان و سیستان

۶ شهر ذالحجه الحرام ۱۳۲۲

بر خاطر مبارک روشن است حاج محمدباقر آقا تاجرباشی که امتیاز چراغ الکتریک خراسان را قبول کرده است، عمده به ملاحظه خدمت به آستان مقدس سرکار فیض آثار صلوات الله و سلامه علیه بوده است که کارخانه مشارالیه در وقت لزوم اسباب قوت روشنایی کارخانه حضرتی بوده باشد و مبالغ گزافی خرج کرده، ماشین و چرخ و اسباب آورده، مشغول ساختن کارخانه است. می‌گوید در صورتی که سید مرتضی تبعه روس را از داشتن چراغ برقی مخصوص در جاهای متعلق به خودش ممنوع نفرمایند، این مسئله نظایر پیدا کرده، هر کسی برای خودش دستگاه کوچکی خواهد آورد و امتیازی که به من مرحمت شده، بی‌ثمر خواهد بود.

واقعاً تاجرباشی در عرض این مسئله حق دارد. فدوی اطلاع دارد که برای چراغ برقی رشت به مشارالیه تکلیف نمودند شرکت نماید و ایشان محض ملاحظه اینکه اینجا خدمتی نموده، اسباب مزید دعاگویی ذات با برکات مقدس همایونی ارواحنا فداه را فراهم آورند، امتیاز را برعهده گرفتند و حال آنکه صرفه عمل رشت، به واسطه قرب دریا و زیادتی مشتری و سهولت امر، هیچ نسبت به عمل اینجا ندارد که این چرخ‌ها و اسباب‌ها را از کوه و کتل، به چه مشقت و چه مصارف گذرانده به اینجا وارد کرده و کذالک حمل نفت که سوخت کارخانه است، از بادکوبه به رشت، چقدر سهل و به مشهد چقدر مشکل است. مشتری‌های مشهد هم خیلی کم است. قرن‌ها لازم است تا اهل مشهد به درجه عالی اهل رشت رسیده، طالب این چیزها باشند: مستدعی است توجهی در اجرای شرایط انحصار عمل به ایشان و منع سید مرتضی بفرمایند که مشارالیه مجبور به ترک این عمل بعد از این همه مخارج و زحمات که تمام ملزومات را حاضر کرده است، نشود.

امر اجل اشرف مطاع.

[حاشیه سند] مراسله باید به سفارت نوشت که به هیچ وجه نباید چراغ الکتریک داشته باشد.

سند شماره ۱۲:

هو الله تعالی شانه العزیز

چون دایر شدن چراغ برق در آستان اعلیحضرت سلطان السلاطین علی بن موسی الرضا ارواح العالمین لموالیه الفداه از آثار خیریه عهد سلطنت ابد مدت ما است و اجرای این امر منیع ملوکانه به مباشرت و اقدام صادقانه معتمد السلطان حاجی محمدباقر تاجرباشی معاون التجار در زمان تولیت اعز ارجمند کامکار حاجی سهام الملک متولی باشی آستان قدس به طوری که خاطر مقدس ما نهایت رضا و مسرت دارد، شد، لهذا به باداش این خدمت و به ملاحظه پیشرفت خیالات مقدسه ملوکانه از آبادانی مملکت و آسایش اهالی که همواره منظور نظر کیمیا اثر بوده و هست، امتیاز چراغ برق شهر مشهد مقدس بود به نواب سهام الملک و حاجی محمدباقر معاون التجار مرحمت می فرماییم که به شرایط مقرر ذیل، این امتیاز را راجع به خود دانسته، قرین انجام و انجاح دارند.

شرط اول: این امتیاز پنجاه ساله، نسلاً بعد نسل به حاجی سهام الملک متولی باشی و حاجی محمدباقر تاجرباشی مرحمت می شود که با امیدواری به کمال و آسودگی به این خدمت مشغول باشند.

شرط ثانی: نواب سهام الملک و تاجرباشی تعهد می نمایند که تا دو سال ماشین و سایر ملزومات این امتیاز را در مشهد مقدس حاضر و موجود نمایند.

شرط ثالث: پس از انقضاء مدت پنجاه سال، اگر این امتیاز را دولت قویشوکت اراده فرمودند به دیگری مرحمت فرمایند، همان شرایط را که دیگری قبول می نماید، اگر صاحبان این امتیاز قبول نمایند، به خود آنها به ملاحظه اولویت و قدمت خدمتی که دارند، مرحمت خواهد شد و اگر از قبول شرایط امتناع نمودند، اسباب و ادوات موجوده را قیمت نموده هر مبلغ که باشد، صاحب امتیاز جدید به صاحبان امتیاز عتیق خواهد داد.

شرط رابع: شرکاء مختارند بلیط سهام این شرکت را انتشار داده به تبعه داخله بفروشند یا سهم شرکت خود را انتقال نمایند. به تبعه خارجه وجهاً من الوجوه حق شرکت دادن و بلیط و انتقال و

غیره و غیره نخواهند داشت و به کلی مطرود و ممنوعند.
شرط خامس: از شاهراه خیابان و معابر که باید مفتول عبور داده شود یا نصب ستون نمایند، کسی حق ممانعت ندارد و اگر فرضاً در مقام منع برآیند، از طرف قرین الشرف دولت قوی شوکت مدافعه و مؤاخذه خواهد شد.

شرط سادس: این امتیاز در شهر مشهد مقدس اختصاص به این شرکاء خواهد داشت و از طرف دولت اجازه دادن به دیگری داده نخواهد شد که چراغ برق بیاورد و اگر کسی بیاورد و اقدامی کند، از طرف دولت مؤاخذه و منع خواهد شد. #



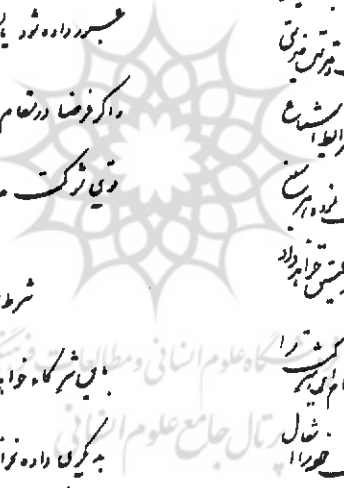
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شرط داشت پس در انحصار دست پنجاه سال اگر این دستیار
 دست دیگر است اراده فرزندم به گویی محبت زین
 های شرایط را که دیگری قبول نماید اگر صاحب این است
 قبول نماید بخود است به جمله اداریت در ترستی
 که دادند محبت خواهد شد و اگر در قبول شرایط است
 نمودن اسباب دادات بوجود راقیت نمودن اسباب
 که باشد صاحب است از جبهه بعضی است یا رئیس خواهد بود
 که شتر
 شود و این شرکت را منتهی به سهام می
 دادند به تدریج و بعد بنشینند یا سهم شرکت هر را
 بنده به تدریج خارج و جهت از اجاره حق شرکت در این

انسان را در این دنیا هیچ چیزی
 The University of Tehran Library
 National Library and Archives of Iran

و بیست و پانزده میز به میز خواهد داشت و یکی یکسوز در
 شرط است لذت هر اینها پس بر برگه که
 عسر داده شود یا بعضی استون نمایند کسی حق داشت هر از
 و اگر فرض در تمام رخ بر آینه از طرف زنی شرکت
 و بی شرکت مراغه در اجاره خواهد شد

شرط است این است از در شرکت که
 این شرکت را خواهد داشت از طرف حق اجاره
 به گویی داده خواهد شد که چه مبلغ برق پرورد و اگر کسی
 و تمامی که از طرف است زنم رخ خواهد شد



سند شماره ۱۳:

۷ ذیحجه ۱۳۲۲

مشهد؛ به توسط معاونالتجار به آصف الدوله

سهم شراکت مرحوم سهام الملک در امتیاز چراغ الکتریک مشهد را که نواب اغراز السلطان به معتمد السلطان حاج محمد باقر معاونالتجار واگذار کرده است، در خاکپای مبارک اقدس همایونی شاهنشاهی روحانفاده پذیرفته شد و حسب الامر مقرر است قدغن نماید حالا که کلیه امتیاز با معتمد السلطان مشارالیه است، فوراً بدون تأمل کارخانه را دایز نماید و نتیجه را که دایر شدن کارخانه باشد، تلگراف نماید، به عرض برسد.

سلطان عبدالمجید

مشهد معتمد السلطان حاج محمد باقر معاونالتجار دام مجده

سهم شراکت مرحوم سهام الملک در امتیاز چراغ الکتریک مشهد را که نواب اعزاز السلطان به شما واگذار کرده است، در خاکپای همایونی روحانفاده پذیرفته شد. حالا که کلیه امتیاز با شما است، حسب الامر فوراً در دایر کردن کارخانه الکتریک اقدام نماید و زود اطلاع بدهید.

سلطان عبدالمجید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۱۴:

[نشان شیر و خورشید]

اداره روس

فهرست عرض وزارت خارجه

سابقاً به موجب صدور فرمان مهرلمعال مبارک، امتیاز چراغ برق مشهد مقدس به حاج محمدباقر معاونالتجار و مرحوم سهامالملک متولی باشی مرحمت شده بود و معاونالتجار ماشین و اسباب لازمه این کار را به مشهد وارد کرد. مرحوم سهامالملک در دادن نصف قیمت ماشین و اسباب و مخارج دایر کردن کارخانه مسامحه می کرد و معاونالتجار از این بابت شکایت داشت. بعد از فوت سهامالملک، معاونالتجار اعزازالسلطان، پسر آن مرحوم، تکلیف کرد یا نصف قیمت ماشین و اسباب و نصف مخارج دایر کردن را بپردازد و شریک باشد و یا سهم شراکت خود را واگذار نماید. موافق تلگرافی که از آصف الدوله رسیده است، اعزازالسلطان سهم شراکت خود را به موجب نوشته به معاونالتجار انتقال کرده است. حالاً که خود معاونالتجار می خواهد کارخانه را دایر نماید، استدعا کرده است در واگذاری نصف امتیاز سهامالملک به او نیز فرمانی صادر بشود تا با امیدواری و مظاهرهت به انجام این خدمت مشغول بشود. موقوف به امر مطاع همایون روحنا فداه است. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع



وزارت امور خارجه
اداره مهر داتره
مورخه
نمبر

مؤسسه تخصصی زبان و ترجمه
The Center for Language
& Diplomatic Translation

مخبرم که این نامه را دارم به دست شما می‌دهم که در آن
بابت هزینه صدور نامه به پیوسته درج شده است. خواهشمند است
بر وقت برسیه یادگی روزنامه است. امرالله در این باره

فدایت عرض در خدمت شما

باغبان حبیب صدره فزونی در صورتی که قبلاً در این باره
بجز کتب و رساله‌ها به در خدمت شما اینک سوره‌ها نیز در خدمت
ایش و باب اندرز ایچرا داشته و در کتب در خدمت شما
حضرت قیامت پیش و باب در خدمت یادگی که قبلاً در خدمت
در صورتی که قبلاً در خدمت کتب است وزارت فرهنگ
ساده و با در نظر به خطی که در خدمت کتب است
و حضرت فزونی یادگی که قبلاً در خدمت کتب است
شرکت خورا و آنکه در حلقه‌ها که در خدمت کتب است
بسیار است. خواهشمند است که شرکت خورا در خدمت
بموردی که در خدمت کتب است.

سید علی

مطالعات فرهنگی
علوم انسانی

سند شماره ۱۵:

خلاصه کاغذ حاج محمدباقر معاونالتجار

در مسئله چراغ مشهد و امتیاز آن، سهام‌الملک که مرحوم شد، فدوی ماشین و اسباب آن را که آورده‌ام؛ مدتی خود آن مرحوم به دفع‌الوقت گذرانید. حالا گرفتار اعزازالسلطان، پسرش، شده‌ام. هر چه اظهار می‌کنم که بیاید به شراکت، چراغ مشهد را دایر نماییم، ابداً جواب نمی‌دهد. مبلغ کلی خرج کرده‌ام. نه ماشین را کسی می‌خرد و نه به درد دیگر می‌خورد. استدعا دارم یا امتیاز را مختص چاکر فرمایید که این کار را به انجام برسانم، یا آنکه حکم فرمایید پسر سهام‌الملک قیمت ماشین و اسباب را بدهد، خودش راه بیندازد، بنده آسوده شده، بروم.

در باب مقاطعه چراغ آستانه مقدسه مکرر عرض کرده‌ام که با ماهی چهارصد و پنجاه تومان به مقاطعه به فدوی بدهند. دائماً بعضی آلات ضایع می‌شود، از روسیه می‌آورم، آستانه می‌گوید فرض ما نیست. پانصد و شانزده تومان و کسری که طلب فدوی است و حکم شده برات صادر بشود، استدعا آن است توجهی فرمایند این وجه برسد و اسباب ضرر فدوی نشود.



وزارت امور خارجه

اداره
مؤرخه
لحیره
داتره

بفرض نامه آقای دکتر کلب فرزند دهمین زرتی
است آن است و غیره یوم و در دبیره مؤرخه

مفسر نامه به نام زرتی است
در مباحث مذکور با این که در مباحث فرزند دهمین زرتی
که در مباحث مذکور به نام زرتی است
بر مبنای این که در مباحث مذکور
به جواب نامه به نام زرتی است
یک نمونه است و در مباحث مذکور
بنام زرتی است و در مباحث مذکور
در مباحث مذکور به نام زرتی است
در مباحث مذکور به نام زرتی است
در مباحث مذکور به نام زرتی است
در مباحث مذکور به نام زرتی است

مركز اسناد و کتابخانه ملی
The Center for Document and Library Studies
of the Ministry of Culture and Islamic Affairs

مطالعات فرهنگی
مجموعه اسناد ملی

پی نوشت‌ها

۱. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۴۴۸.
۲. حسین محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ج ۳، ص ۳۸۵.۶
۳. پیشین، ص ۳۸۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی